

هو الله تعالى شأنه العظمة

آیات الهی عالم را احاطه نموده و نور فضلش قلوب موحدین را منور داشته نیر عدل از افق سماء سیاست کبری مشرق و لایح و لکن سبحات انفس غافله یعنی اعراض آن نفوس شریره انوارش را مستور داشته آیا سبب حرمان چه بوده و علت منع چه شکلی نبوده و نیست که حضرت فیاض جلّت عنایتیه و عظم فضلیه عالم را محض عرفان و ظهورات عدل و انصاف خلق فرموده لازل امطار جودش هاطل و آیات فضلش نازل در هر شیء علم القدرة لله منصوب و در هر مقام رایة العزة لله مرتفع مع ذلك موحدین ضعیف و مشرکین قوی مشاهده میشوند چنانچه دیده شد مدائن اهل توحید محاط و مدافع مشرکین محیط این نیست مگر از جزاء اعمال و افعال و الصلوة المشرقة من افق سماء رحمة الله علی جوهر خلقه و مطلع آثاره و مشرق وحیه و مصدر امره الذي بنوره تنور العالم و باسمه استبرک الأمم هو الذي به بدئ كل امر و ختم و به ظهر صراط الله المستقیم و امره العظیم لولاه ما ظهر اسم من الأسماء و لا صفة من الصفات و علی آله و اصحابه الذين ما منعهم حجبات المحتجبين و سطوة المشركين نصرنا دين الله حق النصر بحيث اخذت سطوتهم من في العالم و احاط اقتدارهم كل الأمم اولئك عباد ما خوفهم شیء من الأشياء و ما حجبتهم ذكر من الأذکار طلوعوا من افق الاقتدار و سخرنا مدن الأشرار بهم اشرق نور التوحيد و ظهر حکم التجريد

سبحانک یا سید العالم و مقصود الأمم اسألك بهم و بما ظهر منهم فی سبیلک بأن تؤید اهل التوحيد علی ما تحب و ترضی ثم انصرهم علی الذين اعتدوا عليهم و اخذوا حقهم انک انت المقنن علی ما تشاء لا اله الا انت القوی القدير و بعد قد بلغ الخادم کتابکم قرأت ما فيه و عرضت تلقاء الوجه قال المولى ارواحنا فداه نسأل الله تعالى ان يفتح علی وجه عباده باب فضلہ و یقرّبهم الی بحر عرفانه و یزینهم بما یرتفع به امره و یکتب لهم من القلم الأعلى اجر الآخرة و الأولى أنه ربّ العرش و الثرى نشهد أنه لا اله الا هو اقراراً لوحديته و اعترافاً لفردانيته لم يزل كان مقتدراً علی من فی الأرض و السماء لا اله الا هو الفرد الواحد المهيم القیوم انا نسلم من هذا المقام علی احبائنا و نوصيهم بالحكمة و بما یرتفع به المقام بين الأنام انتهى

لله الحمد نعمت محبت که از اعظم نعماء الهی محسوبست موجود عالم بنارش مشتعل و بنورش منور اعتدالش روحست از برای هیاکل وجود و اگر فی الجملة تجاوز نماید معدوم نماید و مفقود سازد سبحان الله هم عمار عالم از او و هم خرابی این چه خلقی است که کل از وصفش حیران هم نحیب بکا از او مرتفع و هم سرور لایحصى از او ظاهر خادم از حق جلّ جلاله سائل و آمل که اعتدال را نصیب دوستان فرماید و عنایت کند طعم رحيق مختوم از او یافت میشود در مقامی اوست هادی و اوست واسطه فیض بعد از انبیا سلام الله عليهم و اوست مترجم در مقامی و مبین در مقامی سبحان الله وصفش بقلم تمام نمیشود در جمیع اشیاء هم این فضل علی حدّها ظاهر و مشهود چه که کل مدلّ بر حقّ جلّ جلاله اند و همچنین از صنع او قلم و مداد فارس این مضماریه امر بید الله يفعل ما يشاء و یحکم ما یرید و هو العزيز الحمید

اینکه ذکر جناب حاجی سید مهدی علیه سلام الله را نمودند ذکرشان لدى المولى بشرف اصغا فائز فرمودند این مناجات را تلاوت نمایند آنها تهديه الی صراط الله المستقیم

الهی الهی ترانی مقبلاً الیک و متوجّهاً الی مشارق وحیک و مطالع الهامک و مهابط علمک و مصادر اوامرک و احکامک اسألك باسمک الذي به سخرت العالم و هدیت الأمم و بسطانک الذي غلب الأشياء و باياتک التي احاطت الأرض و السماء

و بالذین ذابت اکبادهم فی حبّک و انفقوا ارواحهم و ما عندهم فی سیلک بأن لا تخیینی عمّا کتبتہ لأصفیائک و قدرته لأولیائک ای ربّ تری المحتاج قائماً لدى باب کرمک و المسکین متمسکاً بجبل عطائک قدر لی ما ینبغی لسماء جودک و بحر فضلک انت الذی شهدت الکائنات بعلوک و سموک و الممکنات بعظمتک و اقتدارک ای ربّ فأنزل من سحاب سماء رحمتک ما یقرّبنا الیک ثمّ ارزقنا خیر ما انزلته فی کتابک اشهد یا الهی بوحدانیّتک و فردانیّتک و بانّک انت الله لا اله الا انت لم تنزل کنت فی علو العظمة و الاقتدار و لا تزال تكون بمثل ما قد کنت فی ازل الآزال لا تمنعک شؤونات الخلق و لا شبهات القوم أنّک انت القيوم الذی لا تضعف جندک جنود العالم و لا صفوف الأمم تفعل ما تشاء و تحکم ما ترید و أنّک انت المقتدر العزیز الحمید الهی الهی تری العاصی اراد بحر غفرانک و البعید افق قریبک و رضائک اسألک بنفحات آیاتک و التسمات الّتی تمرّ من شطر عنایتک بأن تؤیّدنی علی ذکرک و ثنائک و الاقبال الی افقک و التّظر الی آثارک و التّوجّه الی آیاتک یا اله العالم اسألک بالسراج الأظهر الأقوم بأن تجعلنی من الذین وصفتم فی کتابک الذی انزلته علی سلطان رسلک اولئک عباد مکرمون لا خوف علیهم و لا هم یحزنون هل تمنعنی یا الهی بعد اذ سرعت الی فرات رحمتک و هل تخیینی یا مقصودی بعد اذ رفعت ایادی الرّجاء الی سماء فضلک و مواهبک لا وعزّتک ما هذا ظنّی بک اشهد أنّ بابک مفتوح و فضلک محیط و رحمتک سابقه لا تمنع جودک اعراض العباد و لا عطائک خطاء من فی البلاد فاغفر لی بجودک و احسانک ثمّ ایدنی علی خدمة اصفیائک و اولیائک أنّک انت المقتدر العظیم الحکیم لا اله الا انت الفرد الواحد العزیز الجمیل انتهى

الحمد لله عنایت ظاهر و فضل باهر از حقّ جلّ جلاله این خادم فانی مسئلت مینماید که ایشان را تأیید فرماید بر آنچه سزاوار است و موقّ دارد بر ذکر و ثنائش و الاعتراف بما نطق به قلمه الأعلی قبل خلق الأرض و السماء أنّه لا اله الا هو لم یلد و لم یولد و ما اتّخذ لنفسه صاحبةً و لا ولداً انشاءالله از ریحیق بیان بیاشامند چه که هر نفسی بان فائز شد بعرفان حقّ جلّ جلاله فائز اگر جمیع اهل عالم کلمه توحید را اصغا مینمودند حقّ اصغا هرآینه کل منقطعاً عن الكلّ الی الله توجّه میکردند شؤونات و اشارات خادعه عالم امم را از فیض اعظم منع نموده مکافات و مجازات دو مرآتند از برای اعمال حسن و قیح آن در این دو ظاهر و هویدا قسم بسرّ وجود که اگر بکتاب الهی جلّ جلاله عمل مینمودند ذلّهای مشهوده ظاهره دست نمیداد و ظاهر نمیشد امروز کل باید بکمال خضوع و ابتهال دستهای ظاهر و باطن را بسماء جود و فضل حقّ تعالی شأنه بلند نمایند و نصرت طلبند که شاید کل محروم نمانند و از بحر آگاهی و دانائی ممنوع نگردند باری جزاء اعمال ناس را منع نموده ولكن چون باب فضل مفتوح است امید هست که ناله‌های مؤمنین و موحدین اثر نماید و عالم را بطراز عدل و انصاف مزین فرماید انّما السّؤال من العباد و الاستجابة من الله مالک یوم المعاد

خدمت محبوب مکرم حضرت ح و س علیه بهاء الله و عنایتہ سلام میرسانم الحمد لله فائز بوده و ذکرشان لدى المولی مذکور اسأله تعالی ان ینزل علیه من سماء الفضل امطار الرّحمة و العطاء أنّه هو المقتدر علی ما یشاء بقوله کن فیکون و همچنین خدمت محبوب مکرم جناب کاف و راء علیه سلام الله و الطافه و سایر دوستان سلام الله علیهم سلام میرسانم و از برای هر یک توفیق و تأیید میطلبم انّ ربّنا الرحمن هو السّامع المجیب السّلام و التّناء علیکم و علی عباد الله المخلصین